

ضرورت چاره‌اندیشی حکومت اسلامی در برابر آسیب‌های مشروبات الکلی تقلبی از گذرگاه

فقه امامیه*

هادی گوهری بندپی**

محمد حسن مالدار***

چکیده

علی‌رغم تعیین مجازات حدی برای ارتکاب جرم مصرف مسکر و سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال ارتکاب این جرم، لیکن نمی‌توان از دو حقیقت در رابطه با مشروبات الکلی، به سادگی عبور کرد؛ اولاً آمارهای رسمی و غیررسمی موجود، حکایت از افزایش روز افزون مصرف الکل در جامعه دارد. ثانیاً شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و متعاقباً شیوع مشروبات تقلبی موجب شده تا آسیب‌های جسمانی شدیدی از جمله مرگ و از دست دادن اعضای بدن، متوجه مصرف‌کنندگان این نوع مشروبات الکلی گردد. بر این اساس، سؤال اعضای بدن، متوجه مصرف‌کنندگان این نوع مشروبات الکلی گردد. بر این اساس، سؤال پژوهش پیش‌رو این است که آیا حکومت اسلامی در صیانت و پاسداری از سلامت شهروندان در برابر آسیب‌های ناشی از مصرف مشروبات الکلی تقلبی وظیفه‌ای دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، چه راهکارهایی در این باره می‌توان ارائه داد؟ تحقیق حاضر با تکیه بر برخی از ظرفیت‌های موجود در فقه امامیه یعنی قواعد دفع افسد به فاسد، و وجوب دفع ضرر محتمل و ضرورت حفظ نظام جامعه، به این نتیجه رسیده است که پاسداری از سلامت جانی و جسمی شهروندان وظیفه حکومت بوده و هیچ امری نمی‌تواند در تراحم با این وظیفه قرار گیرد. بدین لحاظ، دولت بدون جرم‌زدایی از مصرف مشروبات الکلی، می‌تواند خدمات سنجش سلامت الکل برای تشخیص مشروبات الکلی تقلبی از غیرتقلبی را به منظور جلوگیری از پیامدهای غالباً جبران‌ناپذیر آن، در اختیار شهروندان قرار دهد؛ امر مهمی که به هیچ عنوان به معنای تأیید رفتار مجرمانه مرتکبین مصرف الکل نیست.

کلید واژه‌ها: شرب‌خمر، مشروبات الکلی تقلبی، دفع افسد به فاسد، حفظ نظام جامعه، وجوب دفع ضرر محتمل.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.
** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران / Hadigohari13@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد / Soheilmaldr@gmail.com



مقدمه

مدتی بعد از ظهور اسلام در سرزمین حجاز شرب خمر یا به اصطلاح مصرف مسکرات توسط مسلمانان، ممنوع اعلام و برای ارتکاب آن ضمانت اجرای شلاق در نظر گرفته شد. در آیاتی از قرآن مجید قباحت شرب خمر مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب، قمار، بت‌ها و ازلام، پلید و از عمل شیطان است پس از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید».^۱ نظام کیفری ایران نیز به تبعیت از اجماع فقهای امامیه (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۴۴۹) طبق ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات مصرف مسکر را ۸۰ ضربه تازیانه از باب حد معین کرده است.

علی‌رغم مجازات مقرر برای جرم شرب خمر، اما آمار و ارقام‌های موجود در این زمینه حاکی از شیوع گسترده مصرف مشروبات الکلی در کشور است و روزبه‌روز بر آمار آن به ویژه در میان طبقات سنی جوان و نوجوان افزوده می‌شود. نایب رئیس وقت کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که مطابق آمار وزارت بهداشت، بیش از ۲۰۰ میلیون لیتر انواع مشروبات الکلی ساخت داخل و قاچاق در کشور مصرف می‌شود.^۲

سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۴ میلادی طی گزارشی اعلام کرد که میزان مصرفی الکل‌خواران ایرانی از همتایان آمریکایی و روس بیشتر است، هرچند که طبق همین گزارش شمار افراد مصرف‌کننده الکل در ایران از افراد مصرف‌کننده الکل در روسیه و آمریکا کمتر است.^۳ لازم به ذکر است که آمارهای مذکور با توجه به فقدان نظارت رسمی از سوی ارگان‌های دولتی بر روی تولید یا واردسازی مشروبات الکلی محل خدشه است، اما این برآوردهای احتمالی نشان می‌دهد، سیاست‌های به‌کار گرفته‌شده در رابطه با شرب خمر نتوانسته به صورت شایسته اهداف شارع و مقنن را محقق سازد.

آنچه که اهمیت توجه به موضوع مصرف شرب خمر را ضروری می‌سازد، رشد و گسترش اقتصاد زیرزمینی تولید و واردات مشروبات الکلی است. «اقتصاد زیرزمینی به

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (مانده: ۹۰)

۲. <https://www.isna.ir/news/۹۳۰۷۱۴۰۸۱۸۱>.

۳. Global status report on alcohol and health ۲۰۱۴.

مجموعه‌ای از فعالیت‌های مولد ارزش افزوده اطلاق می‌گردد که به دور از چشم مقامات شکل گرفته و متعاقباً در قالب اقتصاد رسمی جای نمی‌گیرد». (اسفندیاری و مهربانی، ۱۳۸۵: ۱۳۳) فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی بسیار گسترده بوده و کالاها و خدمات گوناگونی را در بر می‌گیرد، ولی غالباً در ایران شامل اقلام ممنوعه مانند مشروبات الکلی و مواد مخدر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی اقتصاد زیرزمینی، فقدان نظارت دستگاه‌های رسمی است که منجر به بی‌توجهی به رعایت کیفیت و استانداردهای لازم برای تولید محصولات می‌شود. اولین و نزدیک‌ترین هدف مورد آسیب اقتصاد زیرزمینی، مصرف‌کنندگان هستند، زیرا گاهی استفاده از محصولات فاقد استاندارد و کیفیت لازم اثرات سوء و جبران‌ناپذیری به همراه دارد. مثبت ادعای مذکور، اخبار مسمومیت و فوت صدها نفر از مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی تقلبی در سال‌های اخیر است، به طوری که بنابر اعلام سرپرست سازمان اورژانس کشور، از نیمه شهریور تا هفدهم مهرماه سال ۱۳۹۷، تعداد ۷۶۸ نفر بر اثر مصرف مشروب الکلی تقلبی حاوی متانول در استان‌های البرز، تهران، مرکزی، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، خراسان شمالی و قزوین دچار مسمومیت شدند که از این تعداد ۱۷۰ نفر کلیه‌های خود را از دست دادند، ۱۶ نفر نابینا شدند و ۶۹ نفر جان خود را از دست دادند.^۱ افزون بر این برخی منابع، تعداد افراد فوت شده بر اثر استفاده از مشروبات تقلبی از اسفندماه ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ را ۵۲۵ نفر اعلام کرده‌اند.^۲

با توجه ضرورت مسئولیت دولت در برابر حفظ و پایداری سلامتی افراد جامعه که مورد تأکید اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳ نیز قرار گرفته است، پژوهش حاضر با کنکاش در متون و قواعد فقهی درصدد آن است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی در راستای کاستن از آسیب‌های غالباً جبران‌ناپذیر و گاهی مرگبار مصرف مشروبات الکلی تقلبی، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که کدام آموزه‌های فقهی، مؤید وظیفه

۱. www.isna.ir/news/۹۷۰۷۲۱۱۱۵۴۴.

۲. www.roozno.com/fa/news/۴۲۴۱۲۱.

۳. «بر خوررداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند».

حکومت اسلامی در راستای تأمین سلامت جانی مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی تقلبی است؟

فرضیه اولیه در پاسخ به این پرسش، وجود مسئولیت و تکلیف حکومت در برابر صیانت از سلامتی شهروندان خود حتی در موارد ارتکاب رفتارهای غیرمشروع از سوی آنان است. لازم به توجه است که پژوهش پیش‌رو هیچ‌گاه به دنبال حرمت‌زدایی از شرب خمر نیست، بلکه همان‌طور که گفته شد، اساس این تحقیق امکان‌سنجی مقابله با مشروبات الکلی تقلبی و کاهش آسیب‌های آن با تکیه بر آموزه‌های موجود در فقه امامیه است، بدون آنکه مشوق دیگران برای شرب خمر باشد.

پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش‌های مذکور با روش توصیفی، تحلیلی و با رویکرد اسنادی در سه مبحث به رشته تحریر درآمده است؛ در بخش نخست، قاعده دفع افسد به فاسد موشکافی و ارتباط این قاعده ارزشمند با موضوع پژوهش مورد بحث و تحلیل قرار گرفته شده است. سپس در بخش دوم، قاعده وجوب دفع ضرر احتمالی، تشریح شده است. در بخش آخر نیز قاعده ضرورت حفظ نظام جامعه، تبیین و ارتباط آن بحث حاضر روشن و اثبات گشته است.

۱. قاعده دفع افسد به فاسد

بر اساس آنچه عالمان اصول گفته‌اند شریعت برای تحقق مصلحت‌ها و جلب منافع برای مردم و دفع مفاسد از آن‌ها نازل شده است (زحیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۲۳۰) از این رو اهتمام به مصلحت‌ها و دفع مفاسد بر همگان واجب است. با این حال، گاهی نمی‌توان از تمام مفاسد به طور هم‌زمان جلوگیری کرد. در این پیچ‌وخم، قاعده گره‌گشای دفع افسد به فاسد متجلی می‌گردد. به بیان دیگر، قاعده دفع افسد به فاسد بنیان نهاده شده است تا بستر انتخاب بد را برای فرار از بدتر هموار سازد. برای نمونه نوشیدن شراب حرام است، لیکن حرمت مزبور در موقعی که فرد بر اثر گیرکردن لقمه در گلویش در حالت اضطراب قرار می‌گیرد و عملاً چیزی جز شراب در دسترس او نیست و یا جان فرد بسته به نوشیدن شراب است، منتفی شده و تبدیل به امری واجب می‌گردد. به بیان دیگر در موارد مذکور حرمت آن عمل زائل و عمل کردن به فاسد واجب می‌شود.

به اعتقاد صاحب تحریر الوسيله:



در هر موردی که حفظ نفس، بر ارتکاب حرام توقف داشته باشد، ارتکاب آن واجب است، پس در چنین حالتی اجتناب از آن جایز نیست و بین شراب و گل و سایر محرّمات فرقی نیست. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۸۲)

همچنان که در آیه مبارکه ۳ سوره مائده آمده است: «گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه شده و به زجر کشته شده و آن‌ها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند و آن‌ها که به ضرب شاخ حیوانی مرده و باقیمانده صید حیوان درنده و آن‌ها که برای بت‌ها ذبح می‌شوند، بر شما حرام شده است... اما آن‌ها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد و متمایل به گناه نباشند (مانعی ندارد که از گوشت‌های ممنوع بخورند) خداوند آمرزنده و مهربان است»^۱. از سوی دیگر، عمل به این قاعده در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز دیده می‌شود. برای نمونه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «...عاقل کسی نیست که خیر را از شر تمیز دهد، بلکه عاقل کسی است که بهترین دو شر را بشناسد...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۶) البته جدای از دلایل نقلی مذکور، عقل نیز بر کاربرد این قاعده صحه می‌گذارد. به این معنا که هر عقل سلیمی در جایی که انسان با دو شر و یا دو فاسد مواجه باشد، بی‌شک موردی را برمی‌گزیند که تبعات و آسیب‌های کمتری را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر با توجه به مضمون قاعده ملازمه نیز در صورتی که عقل به تنهایی بدون در نظر گرفتن امر و نهی شارع، حکم به حسن یا قبح یک چیز کند، بدون تردید مورد تصدیق شارع مقدس هست.^۲ (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۵)

قاعده دفع افسد به فاسد در ساماندهی امور جامعه و نیز تنظیم سیاست و راهکارهای حکومتی، جزو قواعد بنیادین است، به طوری که اگر نسبت به آن دقت لازم به عمل آید

۱. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّبَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذَبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مانده: ۳)

۲. در این پژوهش به مستندات قاعده دفع افسد به فاسد به صورت مختصر پرداخته شده است، چرا که اساساً هدف پژوهش پیش رو اثبات این قاعده با تمسک به آیات قرآن و روایات نیست، هرچند که اشاره موجز به مستندات قاعده موجب آشنایی بیشتر مخاطب ارجمند با موضوع اصلی مقاله می‌شود.

و در مجرای درست به کار گرفته شود، می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات باشد. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۹)

این قاعده کاربردهای فراوانی در زندگی اجتماعی انسان دارد که از جمله نتایج آن، عدم مجازات انسان به سبب ارتکاب برخی جرایم و امور حرام است. لازم به تذکر است که آنچه به عنوان جاری شدن قاعده دفع افسد به فاسد در حقوق کیفری نام دارد، ناظر به مسائلی است که هم افسد و هم فاسد جرم انگاری شده باشند. برای مثال شخص «الف» اقدام به توقیف غیرقانونی فرد مستی کند که هر لحظه ظن ارتکاب جرم از سوی وی علیه دیگر افراد جامعه برود. در این مورد شخص «الف» برای پیشگیری از وقوع ضرر بزرگتر (افسد)، مرتکب جرمی خفیف‌تر (توقیف غیرقانونی) می‌شود (همان: ۲۳) اما آنچه که تمرکز این پژوهش روی آن قرار دارد، جنبه پیشگیری از آسیب‌های ناشی از ارتکاب جرم است. به عبارتی در یک تقسیم‌بندی، پیشگیری می‌تواند قبل از ارتکاب عمل مجرمانه یا آنکه در برخی موارد خاص، پیشگیری برای کاستن از آسیب ارتکاب جرایم باشد. پیشگیری از مصرف مشروبات الکلی خود مستلزم اقدامات و برنامه‌های مدون، مطالعه‌شده و دقیقی است که در حوزه این پژوهش نمی‌گنجد، لیکن پیشگیری نوع دوم ارتباط مستقیم با جلوگیری از عوارض خطرناک مصرف مشروبات الکلی دارد، هرچند که شرب خمر جرم‌انگاری شده باشد. حال چنانچه در مسئله مشروبات الکلی غیر استاندارد ابزارهای فنی و پزشکی ارائه شود که مصرف‌کننده مشروب با اتکا به آن ابزارها نسبت به آزمایش میزان سلامت الکل‌ها اقدام کند، با دو امر فاسد مواجه می‌شویم.

در درجه اول تجویز ابزارهای تست الکل موجب اطمینان خاطر مصرف‌کننده به شرب خمر و حتی تشویق دیگران به آن می‌شود (مفسده اول یا همان فاسد)؛ در درجه دوم رواج روزافزون مشروبات الکلی تقلبی و خطرناک که طبق آمار موجود، فقط از ابتدای اسفند ماه سال ۱۳۹۸ تا ۱۹ فروردین ماه سال جاری (۱۳۹۹) موجب شده تا ۷۲۸ نفر به دلیل مسمومیت ناشی از مصرف الکل به سازمان پزشکی قانونی مراجعه کنند، این در حالی است که کل آمار تلفات ناشی از مصرف الکل در مدت مشابه سال قبل (اسفند ۱۳۹۷ و فروردین ۱۳۹۸) در کشور ۶۶ نفر بوده است (مفسده دوم یا همان افسد).^۱

ضمناً باید به رقم سیاه این مسئله نیز توجه داشت. بسیاری از افراد به دلیل ترس از پیگرد قضایی به مراکز درمانی مراجعه نمی‌کنند. حال در مقایسه میان این مفسده‌ها، هر عقل



سلیمی مرگ صد انسان و آسیب جسمانی هزاران نفر دیگر در طی یک مدت نسبتاً کوتاه را زیان‌بارتر از ارائه ابزارهای تست سلامت الکل که اثرات به مراتب کمتری دارد، محسوب می‌کند. یقیناً شرب خمر هیچ‌گونه توجیهی جز در موارد ضرورت ندارد، اما در وضعیت کنونی که مصرف الکل به عنوان یک واقعیت در اجتماع نمود پیدا کرده، نمی‌توان به راحتی حکم به عدم مسئولیت دولت در قبال این پدیدهٔ شوم (رواج مشروبات الکلی مسموم) داد و اذعان داشت که شاربین خمر به سزای عملشان رسیده‌اند.

از طرفی باید توجه داشت به اعتقاد برخی از فقها، شریعت برای تحقق پنج مورد حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال تشریح شده است (غزالی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۴) لذا نبایستی، زمامداران اسلامی به «نفس» به مثابه یکی از مقاصد شریعت کم‌اعتنایی کنند، بلکه باید تمام سازوکارهای ممکن را برای حمایت از این موهبت الهی، بسیج کنند. همچنان که حق بر حیات یکی از حقوق بنیادین و فطری افراد بشر است، لذا همان‌گونه که اسناد متعدد بین‌المللی متذکر شده‌اند، حکومت‌ها مکلف هستند از حق حیات تمام شهروندان خود به طور برابر و بدون کمترین تبعیض محافظت کنند (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۲) و اقدام شهروند علیه سلامتی خود (قاعده اقدام) در سایه بی‌تدبیری مسئولین ذی‌ربط، نمی‌تواند بهانه مناسبی برای فرار از این وظیفه مهم باشد.

لزوم حمایت از سلامت شهروندان جامعه ایجاب می‌کند که دولت در این زمینه دست‌به‌کار شود و ضمن توسل به سیاست تسامح صفر و نیروی پلیس در جهت دستگیری و برخورد با تولید کنندگان و واردکنندگان مشروبات الکلی خطرناک، به سمت تجویز خدمات سنجش سلامت الکل حرکت کند. همان‌طور که سال‌هاست مراکز بهزیستی و اخیراً وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، پایگاه‌هایی برای سلامت‌سنجی زنان روسپی تأسیس کرده‌اند تا این گروه از افراد جامعه، جهت جلوگیری از توسعه بیماری ایدز (HIV) از لحاظ بهداشتی بررسی و غربال‌گری شوند و حتی وسایل پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی به زنان روسپی داده شود.^۱ بدون تردید ارائه خدمات بهداشتی مزبور به قشر در معرض خطر به معنای ترویج روسپی‌گری و تأیید فساد بزرگی چون زنا نیست، بلکه مفسده بزرگ نهفته در شیوع بیماری‌های مقاربتی، حاملگی‌های ناخواسته و درگیر شدن افراد مختلف جامعه در آن، دولت را مجاب کرده تا به سمت این اقدامات برود.

۱. www.salamatnews.com/news/۱۸۸۹۶۲

در همین زمینه توجه به عقیده یکی از فقهای معاصر در رابطه با پرسشی مشابه این بحث(ارائه وسایل سنجش پالایش مشروبات الکلی به مصرف‌کنندگان این گونه نوشیدنی‌ها) حائز اهمیت است. ایشان در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان بر اساس آموزه‌های شرع مقدس اسلام، به بیماران الکلی در کلینیک‌های ترک اعتیاد که مجوز وزارت بهداشت دارند، تحت نظر پزشک متخصص، اتانول یا همان الکل قابل شرب داد، می‌فرماید:

گاه انسان بر سر یک دو راهی قرار می‌گیرد که هر دو ناخوشایند است، ولی یکی از دیگری ناخوشایندتر است. در چنین مواردی، عقل حکم می‌کند برای پرهیز از امر ناخوشایندتر، انسان به استقبال امری که ناخوشایند است برود و این همان چیزی است که به عنوان «دفع افسد به فاسد» معروف است. بر این اساس اگر کسی بیمار باشد و نیاز به داروی خاصی داشته باشد که در حالت عادی حرام است، ولی برای مداوای بیماری لازم و نجات بخش باشد و برای آن جایگزینی هم وجود نداشته باشد، در صورتی که با نظارت پزشک متخصص به بیمار داده شود، مباح است و اشکال شرعی ندارد.(موسوی بجنوردی، مندرج در آفتاب نیوز)^۱

۲. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده وجوب دفع خطر یا ضرر احتمالی یکی از قواعدی است که مضمون آن حکم عقل به دفع خطر محتمل است. بنابراین اگر انسان درباره چیزی احتمال خطر بدهد، از نظر عقل، دفع و رفع آن خطر محتمل واجب است. مراد از دفع در قاعده مزبور، جلوگیری از ایجاد ضرر و خطرات محتمل یا همان پیشگیری است. بنابراین، در قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، عقل به وجوب جلوگیری از خطر و ضرری حکم می‌کند که هنوز محقق نشده، لیکن به طور متعارف احتمال به وجود آمدنش وجود دارد.(غروی نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۱۴) در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد می‌شود، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است. به عبارت دیگر مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به دفع ضرر احتمالی است.(همان، ج ۲: ۱۸۶)

همان طور که به اعتقاد بعضی از فقها، هرگاه در مورد فعل یا ترک فعلی، احتمال عقلایی تحقق ضرر وجود داشته باشد، عقل، به احتیاط حکم می‌کند. به بیان دیگر، اگر



در یک موضوع احتمال ضرر وجود دارد، اقدام بر آن قبیح است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۴ق: ۳۰۹) لذا مفاد این دلیل عقلی عبارت است از اینکه اگر ضرر و زیان احتمالی هم وجود داشته باشد، هر چند وقوع آن فعلیت نیابد، عقلاً لازم است که آن خسارت احتمالی را از خود یا هر شخص دیگری که مسئولیت و سرپرستی او بر عهده شخص مکلف است دور کرد، چرا که بی‌توجهی به احتمال ضرر، مصداق قاعده اقدام و اضرار به نفس یا اضرار به غیر محسوب می‌شود. (صفری، ۱۳۸۹: ۸۸) بنابراین عقل دفع ضرر مشکوک (به طریق اولی ضرر یقینی) را الزام می‌داند.

درباره سطره این قاعده برخی بر این عقیده‌اند که با توجه به آنکه وجوب دفع ضرر محتمل یک حکم عقلی است، لذا تخصیص بردار نیست و هیچ قوه‌ای نمی‌تواند آن را محدود کرده و یا در پاره‌ای امور آن را نادید بگیرد (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۰۶-۲۰۷)، لذا طبق قاعده یاد شده می‌توان این نتیجه را گرفت که دولت (در معنای قوه حاکمه) در برابر دفع ضرر محتمل نسبت به آحاد افراد جامعه مسئولیت دارد. ضرر محتمل ممکن است نسبت به حقوق ملت از جمله سلامت یکایک اعضای جامعه باشد. یکی از موارد مخاطره‌انگیز در جامعه که وظیفه دولت در قبال جان و جسم شهروندان، مبارزه با آن را ایجاب می‌نماید، مشروبات الکلی تقلبی است. علاوه بر آنکه دولت می‌بایست در مسئله جلوگیری از توزیع و فروش مشروبات الکلی غیر استاندارد تلاش کند، بلکه فراروی آثار محتمل مصرف مشروبات مزبور از جمله مرگ و نابینایی نیز تکالیفی دارد.^۱

در تقویت این سخن می‌توان به قاعده کم‌نظیر و پر کاربرد مصلحت نیز اشاره کرد، قاعده‌ای که شامل تمام ابعاد احکام جامعه اسلامی شده و حاکم می‌تواند با تکیه بر آن، دست به تحول در سیاست‌های شرعی و غیر شرعی بزند. (طباطبایی، ۱۳۴۳: ۸۳؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲: ۸۶) علی‌رغم تمکین به حرمت شرعی مجازات شرب خمر، نمی‌توان معتقد بود که دولت هیچ‌گونه تکلیفی نسبت به آسیب‌دیدگان مشروبات الکلی تقلبی ندارد، بلکه مصلحت حکم می‌کند دولت به عنوان نهادی که باید از حقوق شهروندان مواظبت به عمل آورد، نسبت به این امر نیز واکنش نشان دهد. البته عقل نیز مبین این سخن است

۱. ماده دوم منشور حقوق شهروندی: «شهروندان از حق زندگی شایسته و لوازم آن همچون آب بهداشتی، غذای مناسب، ارتقای سلامت، بهداشت محیط، درمان مناسب، دسترسی به دارو، تجهیزات، کالاها و خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی منطبق با معیارهای دانش روز و استانداردهای ملی، شرایط محیط زیستی سالم و مطلوب برای ادامه زندگی برخوردارند».



که نه تنها سیاستگذار کیفری نمی‌تواند راجع به این معضل و ضرر احتمالی سکوت کند، بلکه باید برای مبارزه با آن جهد و کوشش کند، ولو آنکه نصی در رابطه با آن از جانب شارع مقدس به ما نرسیده باشد. سکوت شارع مقدس در این زمینه تعجب برانگیز نیست، زیرا این مسائل در دسته مسائل مبتلابه و به عبارتی مستحدثه می‌گنجد. با این حال برخی از فقهای شیعه، با استناد به قاعده ملازمه، در صدد رفع این مشکل برآمده‌اند.^۱ این قاعده در بیان این سخن است که هرچه را عقل به آن حکم می‌کند، شرع نیز آن را تأیید می‌کند. در این زمینه یکی از اصولین برجسته معتقد است، از آنجا که شارع خود جزو عقلا بلکه رئیس آنها است، اگر عقل مصلحت قاطعی را معین کرد شارع نیز آن را تأیید می‌کند و از آنجا که شارع حکیم و عاقل است هر حکم او با عقل هماهنگی خواهد داشت. (مظفر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۳۸-۲۳۷)

بر این اساس یکی از متفکرین معاصر گفته است:

عقل در فقه اسلامی، هم می‌تواند خود اکتشاف‌کننده یک قانون باشد و هم می‌تواند قانونی را تقیید و تحدید کند و یا آن را تعمیم دهد و هم می‌تواند در استنباط از سایر منابع و مدارک مددکار خوبی باشد. حق دخالت عقل از آنجا پیدا شده که مقررات اسلامی با واقعیت زندگی سروکار دارد. اسلام برای تعلیمات خود، رمزهای مجهول لاینحل آسمانی قائل نشده است. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۹۰)

لذا طبق آنچه گفته شد، می‌بایست گره کور این معضل گشوده و در این زمینه راهکاری اندیشیده شود.

۳. قاعده ضرورت حفظ نظام جامعه

لازمه مهم تداوم زندگی اجتماعی جلوگیری از رفتارهایی است که مخل نظم جامعه به شمار می‌روند. بر اساس آیات، روایات و حکم قطعی عقل می‌توان گفت یکی از امور پراهمیت در اسلام، حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. گرچه فقها به طور مستقل از قاعده مورد بحث، صحبت نکرده‌اند، ولی از سخنان آنان در موارد گوناگون این مسئله مشخص می‌گردد و وجوب حفظ نظام جامعه، از مسلمات فقه است. (باقی‌زاده و امیدفر، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

۱. کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع، کلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل.



ضرورت حفظ نظام تا آنجاست که برخی از فقهای اسلامی، اختلال نظام را یکی از ادله حاکم بر سایر احکام و مقررات اسلامی به شمار آورده‌اند، لذا در هر موردی که حکمی از احکام اسلامی موجب اختلال نظم جامعه شود، حکم اخلاک‌گر، منتفی و آن را به عنوان ثانوی بی‌اثر تلقی کرده‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۴۹)

در آیات متعددی از قرآن کریم نیز از فساد به عنوان نقیض نظام‌مندی جامعه یاد شده است که برای نمونه می‌توان به آیه شریفه ۷۷ سوره قصص نظر داشت.^۱ فساد در هر درجه‌ای مخل نظم و موجب هرج و مرج است و در آیاتی از قرآن مجید مانند آیه شریفه ۳۳ سوره مائده مجازات‌های شدیدی از سوی شارع مقدس برای اخلاک‌گران معین شده است.^۲ به طور کلی از نظر فقها هر عاملی که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و غیره به اختلال در نظم جامعه بینجامد، ممنوع و آنچه که لازمه حفظ آن باشد واجب دانسته شده است. (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۶۱)

مطابق حکم عقل نیز، هر گونه رفتاری که منجر به نابسامانی زندگی اجتماعی افراد بشر گردد قبیح است، چرا که برخورداری از زندگی نظام‌مند و به دور از هرج و مرج حق هر انسان است. به عقیده برخی، معیار حُسن داشتن هر امر، در تاثیر آن امر بر روند حفظ نظام جامعه است و ملاک قبح آن امر، در اضرائی نهفته است که به نظام عمومی وارد می‌شود. (صدر، بی‌تا: ۲۱۹) از طرف دیگر به دلیل تنوع افکار و احساسات در اعضای جامعه لاجرم اختلاف در رفتارها و اعمال انسان‌ها امری طبیعی است و برای اجتناب از این اختلافات که منش لطمات زیان‌باری به سازمان جامعه است، نظام‌مند شدن رفتارها در قالب وضع هنجارهای الزام‌آور، امری ضروری و حیاتی است. باید توجه داشت که مراد از نظام در این پژوهش، «نظام اجتماعی» به طور عام بوده و منظور از حفظ آن، رعایت اموری است که بنیاد جامعه به آن وابسته است، به طوری که در صورت اختلال در آن، روند عادی زندگی افراد جامعه به خطر افتاده و موجب بی‌نظمی و بی‌قانونی می‌گردد. (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰)

۱. «وَ ابْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَسْ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ». (قصص: ۷۷)

۲. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَقَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». (مائده: ۳۳)



یکی از گذرگاه‌های جریان قاعده حفظ نظام جامعه، تراحم قاعده مزبور با دیگر احکام شرعی در مرحله اجرا است. اهتمام شارع مقدس و نیز توجه عقلا به این قاعده منجر بدان شده است که قاعده مورد بحث، تحدیدکننده قلمرو اجرای برخی از احکام دینی در گذر زمان باشد. برای مثال از نظر برخی فقهای قرون گذشته، به طور حصری احتکار برخی از کالاها ممنوع بود. (عاملی، بی تا، ج ۳: ۱۸۰؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲: ۴۸۷-۴۷۷)

در مقابل در نگاه فقهای معاصر، با تغییر سبک زندگی افراد و عدم وابستگی معیشت آن‌ها به کالاهای مشخص، این ممنوعیت از شکل سنتی خود خارج شده و دیگر شامل اقلام خاص نمی‌شود به گونه‌ای که احتکار هر نوع وسیله از طعام و غیر طعام که به اختلال در نظم اجتماعی زندگی انسان امروز بینجامد، نامشروع است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۰؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۱۷)

مثال دیگر مربوط به حرمت یا اباحه بیع خون است. بسیاری از فقهای متقدم بیع دم را حرام دانسته و حتی علامه در این باره ادعای اجماع می‌کند و بیان می‌دارد: «بیع الدم و شراؤه، حرام اجماعاً لنجاسته و عدم الأنتفاع به»، (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۶۳) اما رفته رفته با دگرگونی جوامع و پیدایش نیازهای جدید که موجب منفعت عقلایی برای بیع خون بود، این دست فتاوا کنار گذاشته شده و فقها از حلیت بیع خون به دلیل منافع زیاد آن در حفظ جان انسان‌های نیازمند سخن به میان آوردند. (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱ک ۳۸) همان طور که در این مثال‌ها آمده است یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر دیدگاه فتاوی فقهای، تغییرات محسوس جوامع جدید در قیاس یا جوامع اعصار گذشته و لزوم اتخاذ رویکردهایی نوین در مواجهه با آن دگرگونی‌ها است.

وجوب حفظ نظام جامعه از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ روی مایل به ترک آن نیست، از این رو همان گونه که در فتاوی اخیر مشاهده شد، حاکم اسلامی موظف است در مقام تراحم نظام‌مندی جامعه با دیگر احکام شرعی به سمت حفظ نظام جامعه حرکت کند. همین نتیجه‌گیری در باب مسئله مشروبات الکلی تقلبی نیز جلوه‌گر می‌شود، به این شرح که میان حکم حرمت شرب خمر و رواج قانونی استفاده از ابزارهای سنجش پالایش مشروبات الکلی، در مرحله اجرا تراحم وجود داشته و شرایط حاکم بر اجماع تغییر رویکرد نسبت به این مسئله را می‌طلبد. البته پُر واضح است که برخورد با هر گونه تولید، خرید، فروش، در دسترس قرار دادن و تبلیغ مشروبات الکلی از وظایف دولت اسلامی است، لیکن در وضعیت فعلی با توجه به آمارهایی که در ابتدای پژوهش راجع به تمایل فراوان



به مصرف الکل و عرضه قابل توجه مشروبات الکلی مسموم اشاره شد و همچنین کارایی نه چندان مطلوب سیاست‌های پیشگیرانه و رویکردهای سخت‌گیرانه به کار گرفته شده از سوی مقامات و دستگاه‌های مسئول در مبارزه با تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی (وضعیت انفعالی) به نظر ضروری می‌رسد حکومت اسلامی در مقام حفظ نظام جامعه و در جهت پیشگیری از آسیب‌های شدید جسمانی و فوت مصرف‌کننده، مسئولیت خطیر خود را در این مسئله درک کرده و به راه‌حلهایی دقیق و شرعی بیندیشد (وضعیت فعال)، از جمله آنکه می‌توان با در دسترس قرار دادن و استفاده از ابزارهای پالایش مشروبات الکلی، ضمن پاسداشت حکم شرعی حرمت شرب خمر، حداقل از مرگ و یا آسیب‌های شدید جسمانی جلوگیری کرد. از طرفی باید توجه داشت که مجازات شرعی مصرف مشروبات الکلی صرفاً ۸۰ ضربه شلاق است که بنابر اعتقاد فقها از جرایم حق الهی صرف است و در شرایطی با توبه مرتکب مجازات هم ساقط می‌شود (جبعی عاملی، ۱۳۸۵: ۵۰۶) و روشن است که هیچ عقل سلیمی صعوبت و زجر ۸۰ ضربه شلاق را قابل قیاس با مرگ یا از دست دادن بینایی و کلیه نمی‌داند.

در همین راستا باید توجه داشت، شارع مقدس نیز با توجه به اهمیت هر یک از جرایم به تعیین مجازات آن‌ها پرداخته است. مثال بارز این سخن، مقایسه مجازات جرم شرب خمر و زنا (با مجازات اعدام) است. نتیجه آنکه شارع مقدس هیچ‌گاه راضی به مرگ شارب خمر نبوده، بلکه به مجازات شلاق کفایت کرده است. با این حال نحوه برخورد با معضل مصرف مشروبات الکلی تقلبی در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد، اما در عصر حاضر که شارب خمر با هر انگیزه‌ای خود را در معرض صدماتی بسیار بزرگ‌تر از ۸۰ ضربه شلاق چون مرگ قرار می‌دهد، لذا به هیچ وجه قابل توجیه نیست که حکومت اسلامی نسبت به سلامت جان شهروندان به عنوان بخش مهمی از نظام اجتماعی جامعه که بی‌شک مورد تأکید دین مبین اسلام و عقلاء است، بی‌توجه باشد.

۱. ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرایم موجب حد به استثنای کذب و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از کذب با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.»



نتیجه گیری

یکی از مسائل مبتلابه جامعه امروزی، گسترش روزافزون مصرف مشروبات الکلی تقلبی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حکومت اسلامی باید در رابطه با این معضل اجتماعی چاره‌اندیشی کند. مسئله بنیادی که آموزه‌های فقه امامیه نیز مثبت آن است. نخستین دلیل در این زمینه، قاعده دفع افسد به فاسد است. بر اساس این قاعده، دولت در معنای قوه حاکمه، بایستی در جهت حفظ سلامت شهروندان خود در برابر مشروبات الکلی غیر استاندارد، اقدام به تجویز ابزارهای سنجش سلامت الکل و تشخیص مسمومیت آن کند تا از طریق پذیرش مفسده کوچک‌تر در مقام پیشگیری از مفسده بزرگتر یعنی صدمات و آسیب‌های جسمانی و جانی برآید.

به علاوه، طبق قاعده دفع ضرر محتمل، دولت در برابر دفع ضرر محتمل در موضوعات مختلف در برابر اعضای جامعه مسئولیت دارد. ضرر محتمل ممکن است نسبت به حقوق ملت از جمله تأمین سلامت یکایک اعضای جامعه باشد. یکی از موارد مخاطره‌انگیز در جامعه مشروبات الکلی تقلبی است. افزون بر آنکه دولت نه تنها باید در مسئله جلوگیری از توزیع و فروش مشروبات الکلی غیر استاندارد تلاش کند، بلکه در مقابل آثار محتمل مصرف مشروبات مزبور از جمله مرگ و نابینایی نیز مسئول است.

سومین و آخرین ظرفیت فقهی قابل استناد در این زمینه، قاعده حفظ نظام جامعه است. یکی از گذرگاه‌های جریان قاعده اخیر، تزامم این قاعده با دیگر احکام شرعی در مرحله اجرا است. وجوب حفظ نظام جامعه از واجباتی است که شارع مقدس به هیچ روی مایل به ترک آن نیست. از این رو حاکم اسلامی موظف است در مقام تزامم نظام‌مندی جامعه با دیگر احکام شرعی به سمت حفظ نظام جامعه حرکت کند. همین نتیجه‌گیری در باب مسئله مشروبات الکلی تقلبی نیز متجلی می‌شود، به این شرح که در مرحله اجرا میان حکم حرمت شرب خمر و رواج قانونی استفاده از ابزارهای سنجش سلامت مشروبات الکلی و پالایش آن‌ها، تزامم وجود دارد. واضح است که برخورد با هر گونه تولید، خرید، فروش، در دسترس قرار دادن و تبلیغ مشروبات الکلی از بایسته‌های جامعه اسلامی است که نمی‌توان در آن تردید کرد، لیکن در وضعیت فعلی با توجه به آمارهایی که در ابتدای پژوهش راجع به تمایل فراوان به مصرف الکل و عرضه قابل توجه مشروبات الکلی مسموم ذکر شد و همچنین کارایی نه چندان مطلوب سیاست‌های به کارگرفته شده از سوی مقامات و دستگاه‌های مسئول در مبارزه با این پدیده، به نظر ضروری

می‌رسد، حکومت اسلامی در مقام حفظ نظام جامعه و در جهت پیشگیری از آسیب‌های شدید جسمانی و فوت مصرف‌کننده، مسئولیت خطیر خود را در این مسئله درک کرده و در این باره راه‌حل‌هایی دقیق و شرعی تجویز نماید.

منابع و مأخذ:

- آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم (۱۴۱۴ق)، *کفایة الاصول*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
- اسفندیاری، علی‌اصغر و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵)، «بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش «شکاف درآمد هزینه خانوار» و «نسبت نقد»»، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۶، ش ۲۳، ص ۱۶۲-۱۳۳.
- الماسی، نجادعلی و همکاران (۱۳۹۵)، «نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه‌شناختی»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۳۶-۱.
- باقی‌زاده، محمد جواد و عبدالله امیدی‌فر (۱۳۹۳)، «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، ش ۴۷، ص ۲۰۰-۱۷۰.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۶ق)، *منهاج الصالحین*، ج ۲، قم: مجمع الامام المهدي علیه السلام.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۵)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، به کوشش اسدالله لطفی، ج ۳، تهران: مجد.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۸۷)، «قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های جرم شناختی آن»، مجله فقه و حقوق، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۳۴-۷.



- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۴۱۰ق)، *نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام*، ج ۲، قم: موسسه اسماعیلیان.
- زحیلی، محمد مصطفی (۱۴۲۷ق)، *القواعد الفقهیه و تطبیقتها فی المذاهب الاربعه*، ج ۱، دمشق: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، *الوسیط فی اصول الفقه*، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- صدر، محمد باقر (بی تا)، *جواهرالاصول*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صفری، محسن (۱۳۸۹)، *دلیل عقلی مستقل*، ج ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۴۳)، *بحثی درباره مرجعیت و روحانی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (۱۴۱۶ق)، *منهاج الصالحین*، ج ۲، بیروت: دار الصلوة.
- عاملی، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) (بی تا)، *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه*، ج ۳، ج ۱، قم: موسسه النشر اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، *فقه سیاسی*، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *فوائد الاصول*، مقرر محمدعلی کاظمی خراسانی، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۶۸)، *اجود التقريرات*، مقرر ابوالقاسم خوبی، ج ۲، ج ۲، قم: کتابفروشی مصطفوی.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، *المستصفی من علم الاصول*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۷۹)، «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۱۶۶-۱۴۹.

- لطفی، اسدالله (۱۳۹۱)، «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون آئین دادرسی مدنی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ص ۲۳۴-۲۰۵.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، ج ۷۵، تحقیق: سید ابراهیم میانجی، محمد باقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، مجموعه آثار، ج ۳، ج ۱۸، تهران: انتشارات صدرا.

- _____ (۱۳۷۰)، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.

- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶)، اصول الفقه الاسلامی، ج ۱، نجف: دار النعمان.

- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۰ق)، کتاب البیع، ج ۲، ج ۴، قم: چاپ اسماعیلیان.

- _____ (۱۴۱۰ق)، المكاسب المحرمة، ج ۱، قم: چاپ اسماعیلیان.

- _____ (۱۳۹۲)، تحرير الوسيله، ترجمه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۲ و ۴۱، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



